

دوفصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال دهم، شماره دوم (پیاپی ۲۳)، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

صص ۶۴-۳۵

راهبردهای افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با جنگ علمی دشمنان

نوع مقاله: پژوهشی

امیرعلی کتابی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۹

چکیده

رویکردی که در دنیای امروزه توسط مخازن فکری و موسسات مطالعاتی دنبال می‌شود، استفاده از قدرت و جنگ نرم در برخورد با کشور مورد هدف است. رویکردی که برخورد نظامی را اشتباهی بزرگ می‌داند و بر این باور است که با تکیه بر قدرت و جنگ نرم می‌توان مسائل را به بهترین شکل، در جهت و مسیر مورد نظر قرار داد. از وجوه راهبردی این بعد از جنگ، «جنگ علمی» است که از قابلیت جلوگیری از پیشرفت و تعالی کشور هدف برخوردار است. مقاله حاضر تلاش دارد به بررسی راهبردهای قدرت علمی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با جنگ نرم علمی دشمنان از منظر رهبر انقلاب اسلامی بپردازد که از دو بعد دیده بانی روش‌های جنگ نرم دشمنان علیه انقلاب اسلامی و راهبردهای دفاع نرم علمی به این موضوع پرداخته می‌شود. با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای-اسنادی و روش تحلیلی-توصیفی در صدد پاسخ به این سوال است؛ راهبردهای کنترل و افزایش قدرت نرم علمی جمهوری اسلامی ایران چه می‌باشد؟ فرضیه اصلی به این استوار است که دشمنان انقلاب اسلامی برای از بین بردن قدرت و پیشرفت روزافزون ایران، جنگ علمی را سرلوحه اقدامات خود قرار داده و از تمام شگردها و ابزارهای علمی بهره می‌گیرند و جمهوری اسلامی جهت افزایش قدرت نرم خود نیازمند اقدامات برنامه‌ریزی شده، جهادی و مبتنی بر ظرفیت‌سازی علمی و فناوری می‌باشد.

واژه‌گان کلیدی: جنگ علمی، قدرت نرم، انقلاب اسلامی، جهاد، استقلال.

۱- دانشجوی دکتری مدرس انقلاب اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) a.ketabi@ut.ac.ir

مقدمه

همزمان در دنیای امروز بیش از آنکه سیاست‌گذاری توسط سیاست‌مداران صورت پذیرد از دل موسسات و پژوهشکده‌ها بیرون می‌آید و نظرات متفکران و محققان مراکز مطالعاتی تاثیرگذاری عمیقی بر عملکرد دستگاه امنیتی-سیاسی دولت‌ها دارد. این موسسات و مراکز علمی با استفاده از سهم و توان بیشتر در استفاده از ظرفیت‌های علمی و فناوری‌های نوین همواره بیشترین تأثیر را در جنگ‌ها داشته است و توانسته‌اند جهت‌دستیابی به اهداف خارجی خود موفق‌تر عمل نمایند. هر کشور در راستای بالا بردن توان دفاعی و موفقیت در پاسخ به تهدیدات متفاوت، مستلزم در اختیار داشتن توانایی‌های گسترده در فناوری‌ها و گسترش توان علمی خود می‌باشد. بدون تردید قدرت علم و فناوری یکی از مهم‌ترین عوامل قدرت نرم بوده و برتری علمی و در اختیار داشتن برتری فناورانه منجر به برتری در ابعاد مختلف خواهد شد. قطعاً این اهمیت و تأثیرگذاری با ظهور فناوری‌های نوین و جنگ‌های بیولوژیکی سرعت و شدت بیشتری یافته است.

داشتن قدرت و بهره‌مندی از قدرت در جهان سیاست به اندازه‌ای اهمیت دارد که افرادی همانند ولفز، تاثیر و نقش آن‌را به اندازه نقش پول در روابط اقتصادی تشبیه نموده و اعتقاد دارد داشتن قدرت کاری را در سیاست بین‌الملل می‌کند که پول در اقتصاد جهانی انجام می‌دهد. بنابراین، آنچه در روابط بین‌الملل اهمیت دارد قدرت واحدهای سیاسی به ویژه کشورهاست که از آن تحت عنوان قدرت ملی نام می‌برند (Zarghani, 2010: 150). قدرت ملی برآمده از تمام متغیرهای قدرت و مولفه‌ها یک کشور است که برای رسیدن یک حکومت و ملت به آرمان‌ها و آرزوهای خود است. جمع عناصر قدرت ملی «وزن ژئوپلیتیکی» یک کشور را نشان می‌دهد و همچنین جایگاه یک کشور در مناسبات جهانی را مشخص می‌نماید، رابطه مستقیمی بین وزن ژئوپلیتیکی کشورها و قدرت ملی و حوزه نفوذ کشورها وجود دارد و کیفیت و کمیت حوزه نفوذ کشورها بر وزن ژئوپلیتیکی و قدرت ملی آنها تاثیر متقابلی می‌گذارد، برای همین دولت‌ها تلاش می‌کنند با گسترش حوزه نفوذ خود به این کشورها، امنیت ملی خود را تامین نموده، تهدیدات را کاهش داده و منافع ملی بیشتری تامین نمایند (Zarghani, 2009: 114). با وجود

مطرح شدن نظریات متعدد در خصوص عناصر قدرت، عنصر «اقتصاد» به عنوان عنصر قدرت ملی مشترک بوده و افزایش توان اقتصاد ملی یکی از عناصر کلیدی در افزایش قدرت ملی است. چنانکه مدلسکی در نظریه خود تحت عنوان «نظریه چرخه استیلا» پیش فرض‌هایی برای دست‌یابی به قدرت استیلابی قائل است از جمله آنکه رهبری سیاسی جهانی نیازمند رهبری در «قدرت اقتصادی» است. اگر چه او اهمیت بیشتری را به قدرت سیاسی و نوآوری‌های ناشی از آن می‌دهد اما برای تحقق و پیاده شدن این برتری‌ها وی عامل قدرت اقتصادی را لازم می‌داند. وی مدعی است که پویش‌های جنگ جهانی به پویش صلح‌آمیز تبدیل خواهد شد بنابراین رهبر جهانی آینده بیشتر بر صلاحیت‌های «سیاسی»، «فناوری» و «اقتصادی» استوار خواهد بود تا قدرت نظامی (Ibid: ۸۹)

آمریکا و متحدین غربی آن در این شرایط مناسب و با امکانات ارتباطی و اطلاعاتی برتر جهت سلطه فرهنگی-تمدنی از این محیط با جنگ نرم^۱ برای اضمحلال و به حاشیه راندن رقبای فرهنگی و تمدنی خود در جهان اقدام نموده‌اند. (بصری، ۱۳۹۱: ۱۵۱) در این راستا، به دلیل ساختار جوامع پیچیده کنونی متأثر از دانش و فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی است و به علت پیچیدگی جوامع انسانی و همچنین دانش محور بودن فعالیت‌های اجتماعی، لازم است دانشگاه‌ها در رسالت‌های قبلی خود یعنی آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی، تجدید نظر کرده و بر رسالت‌های متناسب با نیاز جامعه ملی و جهانی توجه کنند؛ زیرا در جوامع کنونی نیز جنگ نرم در انواع مختلفی همانند جنگ فکری و علمی در قالب‌های مختلف و با استفاده از ابزارهای متنوعی از جمله نهادهای علمی، دانش وارداتی، مطبوعات، کتاب‌ها، وبلاگ‌ها، گروه‌های اینترنتی، شبکه‌های ماهواره‌ای و غیره شکل گرفته و در حال گسترش هستند. عملیات روانی این جنگ‌ها شامل همه اقشار اجتماعی، همه مکان‌ها و زمان‌ها است و تأثیر آن در بین نخبگان و دانشگاهیان، به دلیل ارتباط بیشتر و مستقیم‌تر آنها با جامعه اطلاعاتی بیشتر است. (حسینی و جاهد، ۱۳۹۲: ۴۱) از

1. Soft War

این رو، رقابت و منازعه قدرت‌های برتر در گستره قدرت نرم^۱ با تأکید بر نقش برجسته دانشگاهیان در جریان است و بازیگران با استفاده از سیاست‌های علمی (تولید نظریه، شکستن مرزهای دانش، ایجاد مکاتب و پارادایم‌های علمی و...) به چالش با رقبای خود پرداخته و از این طریق برتری خود را اثبات می‌نمایند. لاجرم، تعارض و جنگ‌ها در عصر منازعات نرم^۲ از میدان‌های رزم به مجامع علمی تغییر موقعیت داده است. (افتخاری، ۱۳۸۹)

در خصوص اهمیت پژوهش باید اذعان شود که جنبش نرم‌افزاری و توسعه علمی در کشور از زیرساخت‌های پیشرفت و توسعه کشور است؛ چرا که حرکت علمی، حمایت از تحقیق و توسعه پژوهش، نوآوری و ابداع در علوم پایه و شکستن مرزهای علم باعث تولید و کسب اقتدار، قدرت ملی و تحول جایگاه ایران در مناسبات سیاسی و منطقه‌ای در مقابله با جنگ علمی دشمنان می‌شود. از این رو، علم و دانایی یکی انعطاف‌پذیرترین و بنیادی‌ترین منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. لذا تلاش حوزه و دانشگاه با همت برتر و کار بیشتر در رشد فکری و علمی اقبال جامعه باعث رشد و توسعه است و نتیجه حاصل از آن ایجاد انگیزه و امید به آینده با استفاده از استعدادها و توانمندی‌های ملی و با کمک نیروهای بومی خواهد بود که در رویارویی با جنگ نرم دشمن در القاء ناکارآمدی نظام و ممانعت از پیشرفت علمی کشور کارساز خواهد بود. از این رو مسئله‌ای که امروز به عنوان نیروی محرک در خنثی‌سازی تهدیدات نرم و ناتوی فرهنگی دشمن و مقابله با جنگ علمی می‌توان از آن یاد کرد توسعه و پیشرفت علمی است که از زیر ساخت‌های قدرت ملی نیز به حساب می‌آید. به همین جهت، توجه جدی به تولید علوم و توسعه تحقیقات در جهت پیشگیری از استیلای مداوم جهان استکبار و افزایش قدرت و توانمندی ملی، همچنین دفاع از استقلال و امنیت نظام و حفظ خودباوری و خلاقیت در سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران تبلور یافته است. (قاسمی و بابایی، ۱۳۸۹: ۱۲) در نهایت این که، قدرت‌های جهانی برای حراست از اقتدار و جایگاه خود سعی دارند محیط علم و دانش کشورهای رو به

1. Soft power

2. Age of soft conflict

توسعه را تضعیف نمایند و در راستای تحقق این هدف، جنگ نرم علمی که شامل مواردی نظیر انحصارگرایی، تحریم علمی، ترور دانشمندان، ایجاد یاس و ناامیدی در مراکز علمی، نفوذ علمی، انحراف دانشگاه ها از مسیر اصلی علم و فناوری، ترویج تقلیدگرایی و... است را مدنظر دارند. توضیحات فوق الذکر نشان می دهند که جنگ نرم علمی یکی از مهمترین و جدیدترین گونه های جنگ در منازعات نوین و آینده است که می تواند نظام سیاسی هدف را به شدت آسیب پذیر نماید. یکی از راهکارهای مقابله و مدیریت جنگ علمی در کشورهای رو به رشد، شناسایی راهبردهای دشمنان در تضعیف قدرت علمی بازیگران رقیب می باشد. به همین منظور، مقاله حضار تلاش دارد با بهره گیری از روش تحلیلی-توصیفی و مطالعات کتابخانه ای به تبیین «راهبردهای جنگ نرم علمی علیه جمهوری اسلامی ایران و راهکارهای مهار آن از منظر مقام معظم رهبری» پردازد.

۲- چارچوب مفهومی و نظری

۲-۱. جنگ نرم

استعمار فرانو برای تداوم استیلای خود بر کشورهای دنیا به ابزار نوین جنگ نرم متوسل شده است (سیدی و صلواتیان، ۱۳۹۴: ۱۱۵) تا بهترین و بالاترین منافع برای خود را به دست آورند و در این میان، جنگ نرم یکی از راه های جدید است که قدرت های بزرگ برای رسیدن به اهداف مشروع یا نامشروع خود از آن استفاده می کنند. (فلاح تفتی، ۱۳۹۵: ۷) البته توجه به این نکته ضروری است که جنگ نرم پدیده ای به ظاهر جدید است اما سابقه ای به اندازه عمر انسان دارد برای رسیدن به اهداف خود پیوسته از راهبرد روانی بهره برداری کرده است و سلطه گران در طول تاریخ همواره برای تسخیر اندیشه و اراده جامعه هدف از روش های روان شناختی استفاده کرده و آنها را وادار کرده اند در مسیر خواسته های دشمن گام بردارند. در فرایند جنگ نرم، دشمن با استفاده از کالاهای فکری، علمی، سیاسی و فرهنگی در صدد تغییر افکار، عقاید و مدیریت ترجیحات دیگران بر می آید. (علیانسب و کاویانی، ۱۳۹۵: ۱۴۹) در فضای زمانی پسا جنگ سرد، برداشت های عمدتاً نظامی یا کلاسیک از مقوله امنیت و تهدیدها جای خود را به

برداشت های جامع به ویژه در اشکال نرم افزاری داده اند. در جنگ نرم نیز باورها، عقاید، ارزش-ها، احساسات و شناخت و در نهایت رفتارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی افراد و گروه‌ها در اردوگاه رقیب مورد هدف قرار می گیرند. (سردارنیا، ۱۳۹۵: ۵۷) به همین دلیل است که جنگ نرم یک جنگ بدون خونریزی و مبتنی بر راهکارهای اجتماعی و فرهنگی است؛ به گونه ای که در فرآیند آن، قدرت‌های مهاجم از مرعوب سازی و ایجاد بحران های فرهنگی و اجتماعی بهره گیری می کنند، تا با یک شوک ذلت بار قدرت و فرهنگ خود را به جامعه هدف غالب کنند. (حاتمی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۱)

دشمنان برای جنگ نرم علیه نظام سیاسی اسلام از شیوه های مختلفی از قبیل تکذیب، تحریف، کتمان حقیقت، ایجاد شک و شبهه، کفر ورزیدن، شرک، خرافات، درآمیختن حق و باطل، مجادله، دروغ بستن به خدا، ایمان به بعضی و کفر به بعضی دیگر، خروج از دین، و سوء استفاده از مقدسات بهره می گیرند. (رشیدپور و دیگران، ۱۳۹۴: ۷۵) برخی از اهداف فرهنگی ترسیم شده در فرایند جنگ نرم، شامل فلج سازی راهبردی، مشروعیت زدایی، تخریب فرهنگ راهبردی نظام سیاسی، تضعیف سرمایه های اجتماعی، دگردیسی سبک زندگی، انسجام زدایی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، ایجاد گسست اجتماعی، استحاله باورها و ارزش های اساسی و غیره است و با ایجاد بسترهای لازم برای این موارد، جنگ نرم می تواند موفق به تحصیل اهداف شود. (رفیع و قربی، ۱۳۹۳: ۱۹۲) در یک جمع بندی می توان ادعان داشت که جنگ نرم، فراتر از تقابل نظامی دولت ها در بخشی از یک جغرافیا است؛ بلکه در اذهان و باورها شکل می گیرد و در صورت به بار نشستن ترندهای دشمن، به سختی می توان جامعه را از آثار آن مصون نمود. (جزایری، ۱۳۹۰: ۷)

نفوذ در مراکز علمی و دانشگاهی یکی از مصادیق جنگ نرم می باشد (موسوی و دولتی، ۱۳۹۵: ۷) که دشمنان امروزه برای مهار کشورهای در حال توسعه از این روش بهره می گیرند. این بعد از جنگ نرم شامل حوزه های شناختی، معرفتی، ارزشی و اعتقادی، تربیتی، آموزشی و... می شود و دستاورد آن می تواند خسارت آفرین و نابودکننده باشد. در ادامه به بررسی بعد جنگ نرم علمی خواهیم پرداخت.

۲-۲. جنگ نرم علمی

در حال حاضر تعداد کشورهایی که معتقدند آموزش و پرورش بهترین راه برای ترویج منافع ملی در سطح جهانی است، افزایش می یابد. به خصوص قدرت های بزرگ توجه ویژه ای به اهمیت و استفاده از آموزش به عنوان یک ابزار موثر و منبع قدرت نرم را آغاز کردند. همچنین، یک سیستم آموزشی موفق ملی می تواند به ایجاد یک تصویر مطلوب تر و پایدار در میان مخاطبان بین المللی کمک کند، در نتیجه بیشترین قدرت نرم کشور را افزایش می دهد. (Amirbek & Ydyrys, 2014: 514) براساس مطالعات آلتباچ و پترسون که با عنوان «آموزش عالی به مثابه پروژه قدرت نرم آمریکا» منتشر شده است، از نفوذ دانشگاهی آمریکا به عنوان عنصر کلیدی قدرت نرم این کشور یاد می شود که مترصد انتقال ارزش و فرهنگ آمریکایی به جهان هستند. (آلتباچ و پترسون، ۱۳۸۹: ۸۰-۷۸) از این رو فعالیت های علمی قدرت های بزرگ در راستای موفقیت اهداف رسمی سیاست خارجی، نفوذ علمی و کسب نتایج مطلوب برای کشورشان براساس مبادلات و روابط علمی می باشد. (ماشیکو و میکی، ۱۳۸۹: ۱۵۳-۱۵۲) دانشگاه ها و مراکز علمی در فرایند جنگ نرم تاثیر ژرفی بر ذهن محققان، اهالی علم و دانش، فارغ التحصیلان و دانش آموزان نهاده و منشائی برای قدرت نرم کشورهای توانمندی در عرصه علم تبدیل می شوند. به همین منظور مقامات کاخ سفید می کوشند تا امکان تحصیل فرزندان اکثر حاکمان و پادشاهان منطقه خاورمیانه و آفریقا را در دانشگاه های این کشور فراهم آورند. این امر نه تنها به نفوذ و تاثیر آینده آمریکا در این کشورها کمک می کند بلکه بر نحوه نگرش این گروه نسبت به آمریکا نیز تاثیر می گذارد. (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۸۰-۸۱)

جوزف نای در مقاله ای با عنوان «قدرت نرم و آموزش عالی» (Nye, 2005: 13-14) در خصوص نقش آموزش عالی در جنگ نرم علمی بیان می کند؛ «کالج ها و دانشگاه ها می توانند با ترویج یک درک بهتر از قدرت و توصیف مهمترین راه های چگونگی تغییر دنیا در ۲۰ تا ۳۰ سال گذشته، به بالا رفتن سطح گفتمان و پیشرفت سیاست خارجی آمریکا کمک کنند. ما می توانیم به

تدریج در ذهن دانشجویان خود و به طور کلی افکار عمومی، در کی بهتر از واقعیت‌های جامعه جهانی در هم تنیده خود را وارد کرده و چارچوب مفهومی را که برای مدیریت موفق چشم انداز جدیدی پیشرو باید درک کنیم، در ایشان تزریق نماییم. بسیاری از ناظران بر این باورند که آموزش عالی آمریکا قدرت نرم قابل توجهی برای ایالات متحده تولید می‌کند. برای مثال کالین پاول، وزیر امور خارجه، در سال ۲۰۰۱ گفت: «من نمی‌توانم داشته‌ای با ارزش‌تر از دوستی با رهبران آتی دنیا که در اینجا تحصیل کرده‌اند برای کشور خودمان نام ببرم.» در جنگ سرد، با ترکیبی از قدرت سخت و نرم، کار را پیش بردیم. مبادلات آکادمیک و فرهنگی میان ایالات متحده و اتحادیه جماهیر شوروی، که در دهه ۱۹۵۰ آغاز شد، نقشی مهم در تقویت قدرت نرم آمریکا ایفا کرد. بدین‌های آمریکایی در آن زمان هراس داشتند که دانشمندان و عوامل کاگب که به آمریکا می‌آیند، «از غفلت ما سوء استفاده کنند»؛ با این حال ایشان از این امر غافل بودند که این افراد ایده‌های سیاسی را به همراه رازهای علمی ما در خود جذب می‌کردند. از آنجا که مبادلات بر نخبگان تأثیر گذاشت، یک یا دو عامل ارتباطی کلیدی می‌تواند تأثیر سیاسی عمده‌ای داشته باشد. برای مثال الکساندر یا کولف به شدت متأثر از مطالعات خود در کنار دیوید ترومن، استاد علوم سیاسی در دانشگاه کلمبیا به سال ۱۹۵۸ بود. یا کولف در نهایت ریاست یک مؤسسه بسیار مهم را بر عهده گرفت، به عضویت پولیتوبرو درآمد و تأثیرات لیبرالیزه‌سازی بسیار جدی بر میخائیل گورباچوف، رهبر شوروی، گذاشت. از سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۸۸، ۵۰ هزار روس در قالب برنامه‌های تبادلات رسمی از ایالات متحده دیدن کردند. بر خلاف امروز که سیاست‌های محدودسازی ارائه رویداد باعث شده است که شمار درخواست دانشجویان خارجی برای پذیرفته شدن در ایالات متحده کاهش یافته است. پیامدهای طولانی مدت این محدودیت آن است که دانشجویان با استعداد خارجی به دنبال آموزش‌های عالی در دیگر نقاط جهان خواهند رفت و در نتیجه آمریکا فرصت نفوذ بر دانشجویان خارجی و یاد گرفتن از ایشان را از دست می‌دهد. این خود باعث می‌شود آگاهی آمریکا از اختلافات فرهنگی از میان رود آن هم زمانی که باید در مورد تصورات خارجی از خودمان حساس‌تر و کمتر غافل باشیم.» (نای، ۱۳۹۳: ۱-۲) از این رو،

پروژه سیا و دستگاه‌های سیاسی و امنیتی آمریکا برای جنگ علمی از طریق علوم انسانی امری جدی و تاثیرگذار است که اسناد منتشر شده از برخی از پروژه‌های دستگاه‌های امنیتی این کشور بر این مدعا تاکید دارد. (اندیشه و راهبرد، ۱۳۹۵: ۵۶)

علم و فناوری و پیشرفت‌های آن می‌تواند برای اعمال قدرت از سوی کشورها توسعه یافته بکار گرفته شود. اگر این پیشرفت‌ها وابستگی محتوایی و فکری ایجاد کند می‌تواند منجر به مهاجرت نخبگان، تقلید فکری، ترجمه بدون توجه به شرایط بومی شود. جنگ‌های نرم این حوزه به اشکال زیر اتفاق می‌افتد:

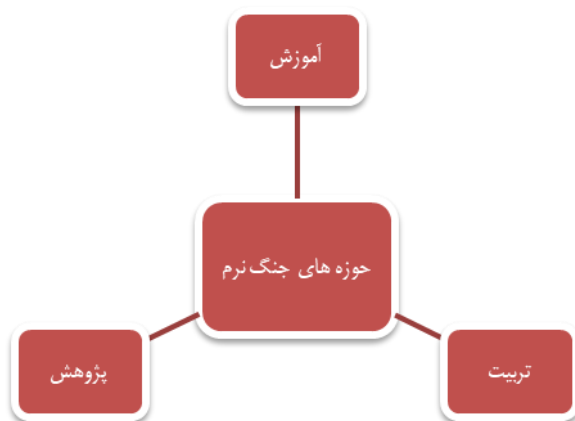
الف. آموزش: محتواها، روش‌ها، فضاها و رسانه‌های آموزشی عناصری در فرایند آموزش هستند که بیگانه بودن این عناصر به فرهنگ، دین و آداب و رسوم یک ملت، غیربومی و تقلیدی بودن می‌تواند آنها را به وسیله‌ای برای اقدام به جنگ نرم تبدیل کند. محتواهای نظری صرف و غیرفعال، روش‌های آموزشی سنتی، استاد محوری، تاکید بر محفوظات بجای خلاقیت، تفکر انتقادی و اندیشیدن فعال، استفاده از رسانه‌های آموزشی نامناسب مانند فیلم‌های آموزشی بیگانه که متضاد با نظام ارزشی یک ملت هستند، تاکید بر آموختن مهارت‌های مختلف مناسب با نیازمندی‌های جوامع بیگانه و ایجاد فضای آموزشی مناسب فرهنگ بیگانه از مواردی هستند که بطور مستقیم یا غیرمستقیم عناصر آموزشی را تبدیل به ابزارهای جنگ نرم کرده و فارغ‌التحصیلان نظام آموزشی را تبدیل به سربازان بیگانه، بی‌تعهد به وطن و عاری از بصیرت می‌کنند. (حسینی و جاهد، ۱۳۹۲: ۴۸-۴۶)

ب. پژوهش: در این زمینه از روش‌های جنگ نرم مانند فریب، دروغ، بزرگ‌نمایی و بی‌اعتبارسازی استفاده زیادی می‌شود. معتبر جلوه دادن مجلات علمی و یافته‌های علمی خودی و در مقابل بی‌اعتبار جلوه دادن مجلات و یافته‌های تحقیقاتی ملت‌های دیگر، بزرگ‌نمایی و جهان‌شمول نشان دادن اولویت‌های تحقیقاتی خودی، تاکید بر اعتبار و برتری بانک‌های اطلاعات پژوهشی و معرفی این مخازن اطلاعات علمی بعنوان شاخص و معیار سنجش کیفیت و کمیت تولیدات علمی کشورها، ارائه بورس‌های تحصیلی و تحقیقاتی (از کارشناسی ارشد تا پسادکتری)

و فرصت‌های مطالعاتی برای اندیشمندان کشورهای درحال توسعه در جهت استفاده از آنها برای رفع نیازهای تحقیقاتی و همچنین تغییر ذهنیت آنها به نفع اولویت‌های خودی از اقداماتی هستند که به اغلب بطور غیرمستقیم تغییر ذهنیت‌ها، وابستگی علمی و فکری، و خدمت به بیگانه را بدنبال دارد.

پ. تربیتی: حوزه تربیتی ناظر بر اقداماتی است که نیروی انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برخی از تحلیل‌گران غربی بر این عقیده هستند که جمهوری اسلامی را می‌توان با نفوذ به درون ذهنیت علمی دانشجویان در قالب فرآیندهایی چون بورس و غیره، با بحران مواجه نمود. وارد شدن در جریان‌های سیاسی بدون داشتن قدرت تحلیل و تفکر انتقادی، تقلید کورکورانه، چند جبهه کردن تشکلهای دانشجویی و متضاد نشان دادن آنها، تغییر رسالت اصلی دانشجو (یادگیری، پژوهش، مهارت‌ورزی و دستیابی به ذهنیت فلسفی) به تغییر دهنده نظام ارزشی و سیاسی موجود (با تقویت تفکر رادیکال)، جذب دانشجویان در شبکه‌های اجتماعی معاند یا در فرقه‌ها و تشکلهای هدایت شده از طرف بیگانه، نمونه‌هایی از راه‌های جنگ نرم از طریق دانشجویان هستند. از نظر اسلام انسان رشد یافته کسی است که اهل فکر و تشخیص باشد و اگر وی فکر و اندیشه خود را به طرز صحیحی به کار گیرد و هدف او تنها درک حقیقت باشد، می‌تواند راه رستگاری را از سیل گمراهی تشخیص دهد. نقش معلم و مربی در جامعه اسلامی، نقش طراز اول است و به همین دلیل، ایران مدت‌ها است برای اسلامی کردن دانشگاه‌ها تلاش می‌کند. در صورتی که اعضای هیئت علمی ویژگی‌های مورد نظر گفتمان انقلاب اسلامی را نداشته باشند قابلیت تبدیل شدن به عناصری بیگانه یا مخالف با فرهنگ و ارزش‌های اسلامی را خواهند داشت. دشمن از جایگاه و نقش اعضای هیئت علمی در شکل‌دهی و هدایت دانشجویان و سرمایه‌های آینده جامعه آگاه است. بنابراین با تبلیغات رسانه‌ای زیاد، با اختلاف افکنی بین عالمان دانشگاهی و حوزوی، با دادن امکانات و مشوق‌های مادی، دادن اعتبار و ارزش کاذب به این قشر فرهنگ‌ساز، این امکان را برای خود فراهم می‌کند که با استفاده از اساتید فریب خورده،

کلاس‌های درسی دانشگاه‌ها را تبدیل به محل آموزش و تبلیغ فرهنگ و برنامه‌های خود و تربیت نیروی مورد نیاز خود کند. (حسینی و جاهد، ۱۳۹۲: ۴۸-۴۶)



نمودار ۱. حوزه های جنگ نرم

به هر روی، جنگ علمی بخشی از پروژه گسترده جنگ نرم محسوب می شود که تلاش دارد که کشور هدف را از حیث توانمندی علمی وابسته و عقب مانده نگاه دارد و با برنامه ریزی های دقیق در حوزه روابط علمی، مراودات دانشگاهی، دیپلماسی علم و فناوری، بورسیه ها، فرصت های مطالعاتی، تهیه هزینه های مالی پروژه های دانشگاهی، تأییدیه های تحصیلی، روایید علمی و... تلاش دارد در نظام آموزش و پرورش کشور هدف نیز نفوذ و رخنه علمی کند. دستاورد این اقدامات نیز فلج سازی علمی خواهد بود؛ به گونه ای که استضعاف علمی به همراه وابستگی همه جانبه در عرصه علم و دانش (حوزه نظری، بنیادی و کاربردی) منجر به تغییر نگرش ها و ایده های اساسی جامعه آماج جنگ می شود. بازیگران بین المللی در فرایند جنگ علمی تلاش دارند با انحصار تولیدات علمی خود، کشورهای دیگر را از رسیدن به پیشرفت در عرصه های مختلف علم، دانش و فناوری های نوین و برترساز بازدارند و در این مسیر از تغییر نگرش، ترور

دانشمندان، ملت‌ه‌ب کردن فضای دانشگاه و مجامع علمی، نفوذ علمی، کارشکنی در مرادوات علمی، فشارهای سیاسی و... بهره می‌گیرند.

۳- راهبردهای جنگ نرم علمی علیه جمهوری اسلامی ایران؛ دیده بان‌ی روش‌های جنگ علمی

دشمنان برای تضعیف قدرت علمی کشورهای در حال پیشرفت و علی‌الخصوص توانمندی علمی جمهوری اسلامی ایران از روش‌ها و راهبردهای متنوعی بهره می‌گیرند که برخی از این راهبردها به قرار زیر است؛

۳-۱. تاکید بر نهضت ترجمه گرای‌ی

جریان ترجمه گرای‌ی به صورت یکی از چالش‌های اساسی و تهدیدکننده در حوزه تولید دانش و علم بومی محسوب می‌گردد. روند رو به تصاعد ترجمه‌ها و توجه و تأکید افراطی به علوم ترجمه ای، در طول زمان باعث اغفال از دانش محلی و کتب بومی گشته است. بدین ترتیب دانش و علم بومی که نتیجه مطالعات و بررسی چندین ساله اندیشمندان رشته‌های مختلف است و با مقتضیات فرهنگی و شرایط زمانی جامعه سازگاری بیشتری دارد، رفته رفته از یادها فراموش می‌گردد. با آنکه در قرون اخیر ترجمه در کشور ما دارای قدمت زیادی نیست، اما بازتاب‌های نامطلوبی را در حوزه تولید علم ایران بر جای گذاشته است. افراط در ترجمه گرای‌ی دارای تبعات نامطلوب و آسیب رسان به حوزه علم پروری و دانش آموزی می‌باشد. نظریه‌زدگی، پذیرش ناسنجیده مباحثی که در اغلب موارد با پشتوانه‌های عقیدتی و ایدئولوژیکی ملی و مذهبی ایران سنخیت و قرابت ندارد، کم‌رنگ‌تر نمودن هویت علمی بومی و تخریب تلاش‌های دلسوزانه دانشمندان ملی از جمله آسیب‌های بارز گرایش افراطی به جریان ترجمه گرای‌ی می‌باشد. مقهور نظریات غیر بومی گشتن، مغفول ماندن دانش ملی و قلت رویکرد انتقادی به جریان ترجمه از تبعات نامطلوب افراط در ترجمه و آسیب‌ها و بازتاب‌های جریان ترجمه گرای‌ی می‌باشد. (نعمتی، ۱۳۹۰: ۱۸)

قدرت‌های علمی تلاش دارند با تبلیغات خویش، آثار علمی و دستاوردهای خود را به عنوان آمال کشورهای رو به رشد معرفی نمایند. استعمارگران طی قرون متمادی تلاش دارند تا مجامع علمی

کشورهای اسلامی را مرعوب خود سازند تا این کشورها به سمت و سوی پیشرفت علمی گام نهند و صرفاً به ترجمه آثار آنها مشغول باشند. افزایش نهضت ترجمه گرایی در کشورها منجر به «تسلیم شدگی علمی در برابر جریان سلطه علمی» می باشد. امروزه در فرایند جنگ نرم علمی که در سطوح مختلف راهبردی و تاکتیکی در حال وقوع است، چند کشور صاحب تکنولوژی، فناوری و علوم راهبردی تلاش دارند تا کشورهای دیگر را وادار به ترجمه آثار خودشان سازند و از تولید بومی اندیشه، دانش و فناوری در کشورهای دیگر ممانعت به عمل می آورند. در یکی از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی آمده است؛ «نباید به طور دائم در عرصه‌ی تجربه و ترجمه علم ترجمه‌ای، حتی فکر ترجمه‌ای، ایده و مکتب و ایدئولوژی و اقتصاد و سیاست ترجمه‌ای- بمانیم؛ زیرا این ننگ است برای انسان که از خرد، سنجش، تحلیل و درک و فهم خود استفاده نکند و چشم را روی هم بگذارد و مرعوب موج تبلیغاتی‌ای شود که بر او تحمیل می کنند، تا سخنی را بپذیرد. بزرگترین بلایی که مستقیم و غیرمستقیم در این دو‌یست سال دوران استعمار بر سر ملت‌های مشرق و بخصوص ملت‌های اسلامی آمد، همین بود که در مقابل تبلیغات غرب مرعوب شدند و عقب‌نشینی کردند. این تهاجم خونین و بسیار سهمگین را که سردمداران استکبار غربی از طریق فرهنگ به آنها کردند، نتوانستند تحمل کنند و مجبور شدند عقب‌نشینی کنند و دست‌هایشان را بالا ببرند. در همه‌ی زمینه‌های زندگی، غریبه‌ها و اروپایی‌ها فکری را پرتاب کردند که هرکس با آن مخالفت کرد، شروع کردند به هوچیگری و مسخره و اهانت کردن؛ فشار آوردند تا فرهنگ خودشان را حاکم کنند.» (بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از دانشجویان قزوین در تاریخ ۱۳۸۲/۰۹/۲۶).

مقام معظم رهبری معتقد هستند که علم ترجمه‌ای برای رشد ایران اسلامی و سایر کشورهای در حال پیشرفت مناسب نیست و کشورها باید به فکر علم آفرینی باشند: «علم ترجمه‌ای محض خوب نیست؛ مگر به عنوان یک وسیله. ما نباید دچار ترجمه شویم. علم و فرهنگ ترجمه و سیستمها و روشهای ترجمه‌ای، درست نیست. ما به عنوان یک ملت با استعداد، باید علم آفرینی کنیم و می‌توانیم. کسانی که علم آفرینی کرده‌اند، هم از لحاظ استعداد و هم از لحاظ سوابق علمی

درخشان تاریخی‌ای که ما داریم، از ما جلوتر نبودند؛ بنابراین ملت ما می‌تواند. این به عنوان طرح یک خواسته عمومی در دانشگاه‌هاست، تا ان‌شاء‌الله همه آن را دنبال کنند.» (بیانات رهبر انقلاب اسلامی در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی در تاریخ ۱۳۸۲/۰۲/۲۲) دشمن در جنگ علمی تلاش دارد تا ایران وابستگی علمی داشته باشد و با افزایش روند ترجمه‌گرایی، استقلال علمی ایران را مورد خدشه قرار دهد و این امر منجر به اتکای به بیگانگان در فرآورده‌های علمی می‌شود. نهضت ترجمه‌گرایی چیزی جزء اضمحلال هویت مستقل علمی، وابستگی پایدار به قدرت‌های استبدادی، تضعیف پایه‌های استحکام ساخت قدرت ملی، تضعیف نهادهای علمی، فروکش کردن روحیه جهاد علمی و... برای جامعه ایرانی به ارمغان نخواهد آورد. ترجمه برای پیشرفت علم خوب است اما نباید به امری دائمی و مستمر در علوم مختلف تبدیل شود و مانعی بزرگ در راه تولید علمی کشور باشد. به همین منظور، مقام معظم رهبری هشدار می‌دهند: «تحقیق، منبع تغذیه‌ی آموزش است. ما اگر تحقیق را جدی نگیریم، باز سالهای متمادی بایستی چشم به منابع خارجی بدوزیم و منتظر بمانیم که یک نفر در یک گوشه‌ی دنیا تحقیقی بکند و ما از او یا از آثار تألیفی بر اساس تحقیق او استفاده کنیم و اینجا آموزش بدهیم. این نمی‌شود؛ این وابستگی است؛ این همان ترجمه‌گرایی و عدم استقلال شخصیت علمی برای یک کشور و برای یک مجموعه‌ی دانشگاهی است. دانشگاه یک کشور، محیط علمی یک کشور ضمن اینکه ارتباطات علمی خودش را با دنیا حفظ می‌کند، از تبادل علمی، از گرفتن علمی هیچ ابائی ندارد. من بارها گفته‌ام که ما از شاگردی ننگمان نمی‌کند که شاگردی کنیم؛ استاد پیدا بشود، ما پیش او شاگردی می‌کنیم؛ اما از این ننگمان می‌شود که همیشه و در همه‌ی موارد شاگرد باقی بمانیم؛ این که نمی‌شود. برای یک مجموعه‌ی علمی، این مایه‌ی منقصت است که در پژوهش و تحقیق که منشأ و منبع رویش علمی است، ضعیف باشد؛ باید بتواند از لحاظ علمی متکی به خود باشد.» (بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار اساتید و رؤسای دانشگاه‌ها در تاریخ ۱۳۸۶/۰۷/۰۹)

۲-۳. ایجاد رکود علمی در مجامع آکادمیک ایران

یکی از طرفندهای دشمنان برای اضمحلال انقلاب اسلامی و جلوگیری از رشد پایدار جامعه ایران، بهره‌گیری از عناصر فاسد و منافق در ایجاد وقفه در حرکت علمی کشور بوده است تا جایی که در فرایند جنگ نرم، قدرت‌های جهانی مترصد «رکود ساختن روند علمی» ایران بوده‌اند. در همین راستا، مقام معظم رهبری می‌فرماید: «از اوایل پیروزی انقلاب، یکی از توطئه‌های دشمنان که سعی می‌شد به وسیله‌ی عناصر خائن، در داخل کشور به مرحله‌ی اجرا درآید، به رکود کشیدن کارهای کشور و تعطیل حرکت و تولید و آفرینش و نوآوری علمی و عملی بود.» (پیام رهبر انقلاب اسلامی به ملت شریف ایران در تجلیل از امام امت در تاریخ ۱۳۶۸/۰۳/۱۸)

تلاش دشمن در پروژه «رکودسازی جریان علم و دانش» می‌تواند منجر به وابستگی علمی، ممانعت از رشد واحدهای علم و فناوری، مهاجرت نخبگان، کاهش سطح تولیدات علمی در مقیاس جهانی، عدم تحقق برنامه‌ریزی‌ها در سیاست‌های کلان علم و فناوری، عقب‌ماندن ایران در رقابت علمی با کشورهای منطقه و... شود.

۳-۳. ممانعت از واردات محصولات علمی به ایران

در فرایند جنگ علمی، قدرت‌های دارای صاحب علم و فناوری برای عقب‌نگاه داشتن کشورهای دیگر تلاش می‌کنند تا از ورود محصولات علمی کاربردی و اساسی به کشورهای هدف جلوگیری نمایند و این موضوع در روندهای جهانی به خوبی قابل مشاهده است. از این رو، سلطه علمی حاکم بر نظام جهانی مبتنی بر استراتژی جلوگیری از ورود حقیقی علم به کشورهای غیرهمسوء می‌باشد. به تعبیر رهبر انقلاب اسلامی، «نظام سلطه؛ یعنی رابطه‌ی سلطه‌گر و سلطه‌پذیر باقی‌بماند و حاکم بر نظم جهانی باشد، باید نگذارند آن بخشی که آن‌ها مایلند سلطه‌پذیر باشند، دارای علم شوند؛ این یک استراتژی است که بربرگرد ندارد و الآن رفتارشان هم در دنیا بر همین منوال است؛ لذا باید برای کسب علم و تحقیق جهاد کرد؛ باید کار کرد. ما در دوران قبل از انقلاب سالهای متمادی از علم دور ماندیم. یک دوره، دوره‌ی خواب و غفلت مطلق بود؛ یک دوره هم که بیداری و آگاهی به‌طور طبیعی در بین ملت‌ها به وجود آمد، دوره‌ی فریب بود.

نمی گذاشتند علم به معنای واقعی کلمه وارد کشور شود.» (بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی در تاریخ ۱۳۸۳/۰۴/۰۱)

۳-۴. وابستگی علمی

«وابستگی» در سطوح مختلف نیز مدنظر جریان استکباری در فرایند جنگ نوین می باشد که یک از مصادیق آن، وابستگی علمی می باشد. فلسفه اقدامات استکباری در جریان منازعات علمی، جلوگیری از استقلال کشور در حوزه دانش و فناوری می باشد. به عبارت دیگر، استراتژی «محتاج سازی کشورهای غیرهمسوء در حوزه علم و فناوری» برای کشورهای مستقل بسیار خطرناک است و می تواند زمینه های استثمار آنها را فراهم آورد. از این رو؛ «فلسفه استکباری است که کشورهای می خواهند تحت سلطه باشند، نباید در دانش و فناوری استقلال داشته باشند؛ باید دستشان دراز باشد؛ محتاج آن‌ها باشند.» (بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی در تاریخ ۱۳۸۳/۰۴/۰۱) به عنوان نمونه تاریخی، غرب با وابستگی علمی رژیم پهلوی سعی در سلطه همه جانبه ایران داشت و به همین منظور با رسوخ در برنامه های علمی، آموزشی، تربیتی و پژوهشی تلاش داشت تا جامعه ایرانی را به یک ملت وابسته تبدیل نماید که در پرتو چنین امری، به راحتی بتواند مقاصد شوم و منافع زیاده خواهانه خود را پیگیری نمایند. رهبر انقلاب اسلامی می فرماید: «برنامه های علمی و تحصیلی و آموزشی در کشور ما چیزی بود که دیگران برای کشوری که باید همیشه از آن استفاده کنند و آن را استثمار نمایند، طراحی کرده بودند و همان عمل می شد. فرهنگی هم در کنارش وجود داشت؛ فرهنگ وابستگی علمی و عملی به غرب و بزرگ انگاشتن غرب؛ به طوری که اصلاً نمی شود به سایه ی او رسید؛ چه برسد که به خود او رسید و اصلاً او را عقب گذاشت. انقلاب آمد این‌ها را به هم زد.» (بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از نخبگان علمی در تاریخ ۱۳۸۱/۰۷/۰۳)

«وابسته سازی کشورها در حوزه علم و فناوری» به مثابه یکی از راهبردی ترین اصول جنگ نرم علمی، می تواند منجر به فلج سازی راهبردی جریان علمی کشور شود و نظام سیاسی را در حوزه

اقتصاد و سیاست تحت الشعاع قرار دهد به گونه ای که این وابستگی منجر به باج دادن سیاسی به اصحاب دانش و فناوری می شود.

۳-۵. انتقال علوم نسخ شده و غیر کاربردی

کارگزاران جنگ علمی تلاش دارند در حوزه علم و فناوری، مطالب دست دوم، منسوخ، تاریخ گذشته و عموماً دست کاری شده را در اختیار کشورهای در حال پیشرفت قرار دهند تا از این طریق بتوانند روند استعمار و سلطه خود را حفظ نمایند. از این رو، انتقال علم و دانش به کشورهای آسیایی، آفریقایی و...، عموماً غیر کاربردی و نسخ شده می باشد. رهبر انقلاب اسلامی در این خصوص بیان می کند؛ «به طور علمی معتقدم که یک خود آگاهی جمعی باید در همه محیطهای علمی نسبت به فرهنگ وارداتی و تحکیم آمیز و زورگویانه غربی به وجود آید...می خواهد همه باورها و چارچوبهای مورد پسند خودش برای ملتها و کشورهای دیگر را به آنها تحمیل کند. این است که یک کشور گاهی به تفکر و ذائقه ترجمه‌ای دچار می شود. فکر هم که می کند، ترجمه‌ای فکر می کند و فرآورده‌های فکری دیگران را می گیرد. البته نه فرآورده‌های دست اول؛ فرآورده‌های دست دوم، نسخ شده، دستمالی شده و از میدان خارج شده‌ای را که آنها برای یک کشور و یک ملت لازم می دانند و از راه تبلیغاتی به آن ملت تزریق می کنند و به عنوان فکر نو با آن ملت در میان می گذارند. این برای یک ملت از هر مصیبتی بزرگتر و سخت‌تر است.» (بیانات رهبر انقلاب اسلامی در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر در تاریخ ۱۳۷۹/۱۲/۰۹)

۳-۶. تزریق روحیه حقارت علمی در سطوح مختلف جامعه

فلج سازی محافل علمی کشور از طریق تزریق روحیه حقارت، یاس، ناامیدی و کسالت بسیار خطرناک است و دشمنان از طریق رسانه های شنیداری، دیداری و نوشتاری دائماً با سیاه نمایی، تبلیغات منفی و شگردهای رسانه ای دیگر مترصد القای روحیه حقارت علمی هستند. ملتی که احساس حقارت و ناامیدی در فعالیت های علم و فناوری داشته باشد، روند رو به رشد علمی آن کاهش می یابد و روحیه فعالیت، کنشگری، اختراع، تولید علم و... در آن جامعه تزلزل می یابد

تا جایی که غالب جامعه به لحاظ روانی به این نتیجه می‌رسند که دیگر امکان رویارویی علمی با قدرت‌های برتر در حوزه دانش وجود ندارد و به همین منظور، دست از تلاش، ابتکار، نوآوری و خلق محصولات علمی بر می‌دارند و به سمت و سوی وابستگی علمی سوق می‌یابند. رهبر انقلاب اسلامی در خصوص این راهبرد بیان می‌کنند؛ «محیط علمی باید در عین آنکه بالاترین بهره‌ی ممکن را از دانش پیشرفته‌ی جهان می‌برد، متکی به خود و مبتکر و خلاق و کاوشگر باشد. نظام سلطه‌ی جهانی همیشه کوشیده است که به وسیله‌ی عوامل تبلیغی خود، احساس حقارت و ناتوانی و نیاز را در ملت‌هایی که از قافله‌ی علم و فناوری عقب مانده‌اند، تقویت کند و آنان را همیشه نیازمند خود نگاه دارد.» (پیام رهبر انقلاب اسلامی به گردهمایی ویژه‌ی دانشگاهیان و دانشجویان در تجلیل از حضرت امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۳۷۸/۰۳/۱۲). دشمنان سعی می‌کنند با بهره‌گیری از نیروهای وابسته علمی خود در دانشگاه‌ها و محافل علمی کشور، روحیه حقارت، خودکم‌بینی و وابستگی را در محققان، دانشجویان، اصحاب علم و دانش تزریق نمایند و از این طریق، اقتدار علمی کشور را تضعیف نمایند. با این اوصاف، «این خودکم‌بینی خیلی چیز خطرناکی است؛ احساس حقارت؛ که همه‌ی دنیا می‌گویند کشور عزیز است، کشور مقتدری است، گله دارند، ناراحتند که ایران نفوذ پیدا کرده، همه‌جا را گرفته، این آقا اینجا در داخل، در روزنامه یا در سخنرانی یا در فلان دانشگاه به دانشجویها می‌گوید نه، ما چیزی نیستیم، ما کسی نیستیم!» (بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری در تاریخ ۱۳۹۴/۰۸/۲۰)

۳-۷. تئوری سازی استعماری

یک از شگردهای خطرناک و استعماری کارگزاران جنگ نرم، «تئوری سازی استعماری» است؛ به این معنا که قدرت‌های استعماری تلاش می‌نمایند تا برای توجیه چپاولگری‌ها، لشکرکشی‌ها، نفوذ و مداخله‌گری غیرقانونی و نامشروع خود به کشورهای دیگر، تئوری‌های عامه‌پسندی طراحی کنند که براساس آن، کنش‌های نامعقول و زیاده‌خواهانه خود را توجیه نمایند. لاجرم، دشمنان تلاش می‌نمایند تا براساس نظریات و تئوری‌های منطبق با عملکرد خود، زمینه‌های سلطه

بر ملت های دیگر را فراهم نمایند. رهبر انقلاب اسلامی در خصوص نقش تئوری های استعماری در استحاله و چپاول ملت ها اذعان می دارند: «برای به زنجیر کشیدن یک ملت، هیچ چیزی ممکن تر و سهلتر از این نیست که قدرتمندان عالم بتوانند باورهای آن ملت و آن کشور را بر طبق نیازهای خودشان شکل دهند. هر باوری که یک ملت را به اتکای به خود، اعتماد به نفس، حرکت به جلو و تلاش برای استقلال و آزادی وادار کند، دشمن خونی آن، کسانی هستند که می خواهند با قدرت متمرکز، همه دنیا را در اختیار بگیرند و به نفع خودشان همه بشریت را استثمار کنند. لذا با آن فکر مبارزه می کنند. در نقطه مقابلش، سعی می کنند با راهها و شیوه های مختلف، افکار و باورها و جهتگیریایی را در میان آن ملت ترویج کنند که به گونه ای بیندیشد که آنها می خواهند. وقتی آن طور اندیشید، آن گونه هم عمل و حرکت خواهد کرد. این یک ابزار بسیار رایج است؛ تئوری سازی استعماری... برای این که بتوانند این کارهای خلاف عقل و خلاف شرع و خلاف همه قوانین بشری را به گونه ای توجیه کنند، برایش تئوریهای به اصطلاح روشنفکری و روشنفکرپسند درست می کردند.» (بیانات رهبر انقلاب اسلامی در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر در تاریخ ۱۳۷۹/۱۲/۰۹)

براساس عملکرد قدرت های بزرگ، تئوری های وارداتی غربی در راستای تحکیم روابط استعماری کشورهای نظیر آمریکا می باشد و همانگونه که رهبر انقلاب اسلامی می فرماید: «مواظب تئوریهای وارداتی غربی که هیچ هدفی جز حفظ آن روابط تحکیم آمیز غرب با کشورهای از قبیل کشور ما را ندارد، باشند. البته تحت نامهای مختلف، بسیار حرفها زده می شود؛ اما هدف یک چیز بیشتر نیست. این انقلاب و این نظام و این حرکت عظیم مردمی آمده و این سلطه و اتوریته تحکیم آمیز غربی را در این کشور شکسته است.» (بیانات رهبر انقلاب اسلامی در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر در تاریخ ۱۳۷۹/۱۲/۰۹)

۴- دفاع نرم علمی (راهبردهای کنترل)

برای مهار و مدیریت جنگ علمی علیه جمهوری اسلامی ایران باید چاره اندیشی شود و برخی از راهکارهای مهار، کنترل و مقابله با جنگ علمی دشمنان به قرار زیر است؛

۴-۱. تولید علم

در راستای ارتقاء قدرت علمی ایران، وند تولید علم باید ارتقاء یابد و به میزانی که تولیدات علمی در سطوح مختلف افزایش یابد، جامعه ایرانی در برابر تهدیدات بیرونی جریان علم از امنیت بیشتری برخوردار خواهد بود. به اعتقاد رهبر انقلاب اسلامی، «حرکت علمی برای کشور ما یک ضرورت مضاعف است؛ یک نیاز مضاعف و مؤکد است. نیاز است؛ چرا؟ چون علم، عامل عزت و قدرت و امنیت یک ملت است.» (بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار نخبگان جوان ۱۳۸۶/۰۶/۱۲) ایشان در جایی دیگر اشاره می کنند که «کار علمی» باید به صورت مجاهدانه و همت مستمر جامعه علمی پیگیری شود و صرفاً نباید به ترجمه اکتفا کرد. از این رو، تولید فراورده های علمی، لازمه پیشرفت و تعالی علمی کشور است؛ «شما که از استعدادی برخوردار هستید و فرض هم می کنیم که ان شاء الله امکانات برای تکامل و تعالی علمی و فکری شما فراهم شود و بتوانید در همان رشته هایی که مورد علاقه تان است، کار علمی بکنید، همتان باید به چه چیزی گماشته شود؟ آن چیزی که به نظرم از همه مهمتر می آید، این است که همت جامعه علمی ما باید به تولید علم گماشته شود. ما نباید به ترجمه و فراگیری اندوخته های دیگران اکتفا کنیم.» (بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی ۱۳۸۱/۰۷/۰۳)

براساس چنین رویکردی، تاکید بر «علم درون زا» یکی از مهمترین راهبردهای کنترل و مدیریت جنگ علمی می باشد که آینده کشور نیاز مبرمی به ترقی علمی براساس نیاز بومی و مقتضیات کشور دارد. لاجرم، شکست مرزهای علمی و تحصیل دانش راهبردی برای رسیدن ایران به چشم انداز توسعه امری لازم می باشد؛ «اگر ایران باید آینده ای داشته باشد و اگر این ملت باید همین راه استقلال و عزت و عدم وابستگی را که در آن وارد شده ادامه بدهد، این امکان ندارد مگر با عالم شدن این ملت. باید عالم بشوند و علم در این کشور ترقی پیدا کند. علم وارداتی، علم به معنای حقیقی کلمه نیست؛ علم درونزا است که اقتدار می بخشد. اینکه من مسأله ی تولید علم و شکستن مرزهای علم را مطرح کردم، به خاطر این است و باید آن را جدی بگیرید.» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار استادان دانشگاه های استان خراسان در تاریخ ۸۶/۲/۲۶)

۴-۲. استقلال علمی

دفاع علمی نیازمند استقلال در حوزه های علم، دانش و فناوری است و پیشرفت نظام علمی ایران در گرو استحکام بخشی به عزت و استقلال علمی است. به یک معنا؛ «توانستید کشور را به مراحل بزرگ پیشرفت علمی برسانید؛ این افتخار، خیلی افتخار بزرگی است. نسل جوان امروز، میتواند این افتخار را برای خودش جلب بکند که به جای اینکه به شکل تبعی دنباله‌ی دیگران باشد، عزتمندانه توانسته پایه‌های استقلال علمی و پیشرفت علمی را در این کشور محکم کند و کار کند و تلاش کند.» (بیانات در دیدار شرکت کنندگان در نهمین همایش ملی نخبگان فردا در تاریخ ۲۲/۰۷/۱۳۹۴) رهبر انقلاب اسلامی در یکی از بیانات خویش اشاره می‌کند؛ «از استقلال و خودباوری ملت ایران، سیاست‌های زیاده‌خواه و دخالت‌جوی جهانی ضرر می‌برند. برای یک ملت، سم بزرگ عبارت است از وابستگی؛ و پادزهر این سم، عبارت است از خودآگاهی، استقلال فکری، استقلال علمی، روی پای خود ایستادن، خود را اداره کردن و خود را محتاج دیگران ندیدن. بنابراین، این‌ها باید این پادزهر را از دسترس این ملت دور نگه دارند؛ این طبیعی است.» (بیانات در دیدار جمعی از مخترعان جوان ۳۰/۰۱/۱۳۸۴)

۴-۳. توازن صادرات و واردات محصولات علمی

توازن و تعادل در واردات و صادرات محصولات علمی، یکی از بایسته‌های رونق علمی در کشور است؛ به گونه‌ای که اگر واردات علمی بیش از جریان صادرات آن شد، کشور به حالت مصرف زدگی علم وارد می‌شود و توانایی تولید و رقابت علمی با سایر قدرت‌های علمی را نخواهد داشت. از این رو، «رابطه‌ی بین کشورها در زمینه‌ی علم باید رابطه‌ی صادرات و واردات باشد؛ یعنی در آن تعادل و توازن وجود داشته باشد. همچنانی که در باب مسائل اقتصادی و بازرگانی، اگر کشوری وارداتش بیشتر از صادراتش شد، ترازش منفی می‌شود و احساس غبن می‌کند، در زمینه‌ی علم هم باید همین جور باشد. علم را وارد کنید، عیبی ندارد؛ اما حد اقل به همان اندازه که وارد می‌کنید یا بیشتر صادر کنید. باید جریان دوطرفه باشد. و الا اگر شما دائماً ریزه‌خوار خوان علم دیگران باشید، این پیشرفت نیست. علم را بگیرید، طلب کنید، از دیگران فرابگیرید؛ اما شما

هم تولید کنید و به دیگران بدهید. مواظب باشید تراز بازرگانی شما در اینجا هم منفی نباشد. متأسفانه در این یکی دو قرن شکوفائی علم در دنیا، تراز ما تراز منفی بوده. از اول انقلاب کارهای خوبی شده؛ اما این کارها بایستی با سرعت و شدت هرچه بیشتر ادامه پیدا کند.» (بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان ۱۳۸۸/۰۲/۲۷)

در مسیر متوازن سازی جریان بین المللی علم، تمرکز بر روی «تجاری سازی علم و فناوری» لازمه ارتقاء قدرت علمی ایران می باشد؛ زیرا از طریق تجاری سازی علم می توان به تولید ثروت، کسب عزت، اقتدار علمی، کاهش وابستگی به غرب در کالاهای دانش بنیان، مدیریت پروژه های علمی داخلی و... همت گماشت. با این اوصاف، «روی شرکتهای دانش بنیان حتماً باید تکیه بشود؛ تجاری سازی علوم و فناوریها، پارک های علم و فناوری و مانند اینها کارهای بسیار لازم و خوبی است.» (بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۴/۰۶/۰۴) ایشان در جایی دیگر اشاره می کنند؛ «مسئلهی تجاری سازی خیلی مهم است. یافته های علمی و صنعتی بایستی بتوانند در کشور تولید ثروت کنند... درآمد کشور را از راه صنایع دانش بنیان و فعالیتهای تجاری دانش بنیان تأمین کنیم؛ یعنی از محل فروش محصولات علمی. این چیزی است که باید خیلی از دسترس دور نباشد. دانش، منشأ تولید ثروت است؛ البته به شکل صحیح، به شکل نجیبانه، نه آنچنان که دنیای غرب از دانش برای تحصیل ثروت استفاده کرد؛ که من بعد ان شاء الله اشاره ی مختصری خواهم کرد. البته تجاری کردن اگر در ذهنیت دستگاه های مسئول باشد، بایستی از آغاز یعنی از وقتی که ما پروژه ی علمی و پروژه ی صنعتی را تعریف می کنیم به فکر تجاری کردنش باشیم؛ نگذاریم بعد از آنکه کار تمام شد، به فکر بیفتیم که بازاریابی کنیم. از اول باید این مسئله در محاسبات بیاید؛ که البته این مربوط به دستگاه های مسئول کشور است که دنبال کنند.» (بیانات در دیدار نخبگان جوان ۱۳۸۹/۰۷/۱۴)

۴-۴. گام نهادن در مسیر نظریه سازی بومی

اقتدار علمی ایران در گرو تولید نظریات بومی و متناسب با فرهنگ، نیاز و شرایط داخلی ایران است و در این مسیر، گام نهادن در آوردگاه نظریه سازی بومی باعث می گردد تا جامعه ایرانی از

نظریات غربی بی نیاز شود. به اعتقاد رهبر انقلاب اسلامی، «شما که در دانشگاهید، فعالیت شما فعالیت دانشگاهی است؛ باید درس بخوانید، تحقیق کنید، به فکر نظریه‌سازی باشید. الگو گرفتن بی قید و شرط از نظریه‌پردازهای غربی و شیوهی ترجمه‌گرائی را غلط و خطرناک بدانید. ما در زمینه‌ی علوم انسانی احتیاج داریم به نظریه‌سازی. بسیاری از حوادث دنیا حتی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و غیره، محکوم نظرات صاحب‌نظران در علوم انسانی است؛ در جامعه‌شناسی، در روان‌شناسی، در فلسفه؛ آن‌ها هستند که شاخصها را مشخص می‌کنند. در این زمینه‌ها ما باید نظریه‌پردازی‌های خودمان را داشته باشیم و باید کار کنیم؛ باید تلاش کنیم؛ دانشجو باید تلاش کند. دانشجو و محیط دانشگاه باید نگاه کلان به هدفهای انقلاب داشته باشد؛ دنبال آن‌ها برود. مراقب باشید دشمن نتواند از محیط دانشگاه و از عنصر دانشجو و استاد استفاده کند.» (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز ۱۳۸۷/۰۲/۱۴) ایشان در جایی دیگر اشاره می‌کنند؛ «در باب نظریه‌پردازی نباید محدودیتی وجود داشته باشد. بیشتر بایستی برای نقد و ارزیابی و جدا کردن سره از ناسره همت شود.» (مصاحبه در پایان بازدید از نمایشگاه کتاب ۱۳۷۷/۰۳/۰۵).

۴-۵. اجرایی کردن نقشه جامع علمی کشور

مهار و کنترل جنگ علمی دشمنان نیازمند برنامه مدون و منطقی علمی در کشور است و وجود نقشه جامع علمی کشور، یکی از ظرفیت‌های ایران برای رشد علمی در کشور می‌باشد که تحقق و تبدیل آن به یک برنامه کارآمد، می‌تواند جامعه علمی کشور را در برابر تهدیدات مختلف ایمن سازد. به تعبیر آیت الله خامنه‌ای، «مسئله‌ی دیگر، مسئله‌ی نقشه‌ی جامع علمی است. خوب، نقشه‌ی جامع علمی بالاخره بعد از فرازونشیب‌های زیاد، تصویب شد و ابلاغ شد و عمل شد؛ منتها این نقشه‌ی جامع علمی را باید در اجزای مهم، اجزائی کنیم. این جزو همان چیزهایی است که شما تا در میدان نروید و ملاحظه‌ی میدانی نکنید، نمیتوانید تشخیص بدهید که چقدر نقشه‌ی جامع علمی عمل شد.» (بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری ۱۳۹۴/۰۸/۲۰). از این رو، «مسئله‌ی نقشه‌ی جامع علمی هم مسئله‌ی بعدی است. البته

تهیه‌ی این نقشه‌ی جامع چیز خوبی بود، منتها هم باید تبیین بشود برای همه‌ی دانشگاه‌ها، هم باید تبدیل بشود به برنامه.» (بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۵/۰۳/۲۹).

رهبر انقلاب به مثابه یک راهبر، تاکید می‌کنند؛ «پیگیری جدی پیشرفت و شتاب حرکت علمی و فناوری کشور یکی از اساسی‌ترین اولویت‌های کشور است که شورای عالی انقلاب فرهنگی در آن نقش جدی دارد. بحمدالله با تصویب و ابلاغ نقشه جامع علمی کشور، حوزه علم و فناوری نقشه راه خود را یافته، ستاد راهبری نقشه جامع علمی تشکیل شده؛ و حرکت در آن مسیر آغاز گردید و تاکنون آثار و دستاوردهای خوبی هم در پی داشته است، لازم است این مسیر با جدیت و اهتمام بیشتری بویژه از سوی مسئولان در قوای سه‌گانه و خصوصاً دولت محترم دنبال شود. شتاب رشد علمی کشور نباید به هیچ بهانه‌ای حتی اندکی کاهش یابد، بلکه باید روز به روز بر آن افزوده شود و شورا نیز نقش خود را در نظارت و پایش و راهبری آن بطور جدی و فعال ایفا نماید.» (حکم آغاز دوره‌ی جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۹۳/۰۷/۲۶)

۴-۶. جهاد علمی

مبارزه در سطوح مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، دفاعی و نظامی، امنیتی، علمی و غیره با جریان استکبار جهانی، نیازمند روحیه جهادی در جامعه ایرانی می‌باشد و عرصه علم و دانش نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. با توجه به چنین نیازی، مهار جنگ علمی نیازمند روحیه جهاد علمی در دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی، محققان و... می‌باشد. پس، «جهاد و دانشگاه، و تلفیق جهاد که یک امر ارزشی معنوی است با علم و دانش و با دانشگاه دارای پیام است؛ نشان می‌دهد که می‌توان علم جهادی و نیز جهاد علمی داشت؛ این همان کاری است که شماها مشغولید. علم شما علم جهادی است؛ با جهاد و با اجتهاد همراه است؛ در یوزه‌گری و منتظر نشستن برای هدیه شدن علم از این سو و آن سو نیست؛ دنبال علم می‌روید تا آن را به دست بیاورید؛ این علم جهادی و علم برخاسته‌ی از مجاهدت و اجتهاد و تلاش است... جهاد یعنی یک چنین مبارزه‌ی، که وقتی دارای جهت و هدف الهی بود، آن وقت جنبه‌ی تقدس هم پیدا می‌کند. شما مبارزه‌ی علمی می‌کنید؛ زیرا این کار شما به‌طور واضح دشمنان بسیار سرسختی دارد که نمی‌خواهند این حرکت علمی و

تحقیقی انجام بگیرد. لذا به نظر من جهاد دانشگاهی فقط یک نهاد نیست، بلکه یک فرهنگ است؛ یک سمت‌گیری و حرکت است.» (بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی ۱۳۸۳/۰۴/۰۱)

۴-۷. مرزشکنی دانش

در راستای فرماندهی و کنترل جریان‌های علمی کشور ایران در تقابل با منازعه علمی غرب، «راهبرد مرزشکنی دانش» یکی از لوازم برون‌رفت جامعه ایرانی از رکود علمی و تحرک بخشی به جامعه دانشگاهی کشور است. این راهبرد منجر به دست‌یابی سریع‌تر ایران به علوم راهبردی می‌شود؛ «باید این راه را سریع طی کنیم و راه‌های میان‌بر را پیدا کنیم و خودمان را برسانیم؛ مرزهای دانش را باز و مرزهای جدیدی را ایجاد کنیم؛ این کار ممکن است؛ زیرا اینجا سرزمین علم‌خیز است و شماها نشان دادید که می‌شود. درهای بسیاری از این دانش‌ها بر روی کشورهایی مثل کشور ما و غیر دارند گانش بسته است و وقتی اجازه می‌دهند دانش منتقل شود، که کهنه و دستمالی شده است و از نوبی و طراوت افتاده است.» (بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی ۱۳۸۳/۰۴/۰۱)

رهبر انقلاب در این خصوص می‌فرماید؛ «سالهاست روی مسئله‌ی علم، تحقیق، پژوهش، پیشرفت، نوآوری، شکستن مرزهای علمی موجود تکیه می‌کنم» (بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی کشور ۱۳۸۸/۰۸/۰۶). و «در زمینه‌ی علوم تجربی باید کار و تلاش کنیم. قدرت پیشرفت علمی و باز کردن راه‌های نو و گشودن افق‌های جدید را باید در خودمان به وجود بیاوریم؛ همت ما باید این باشد؛ توقع، این است.» (بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۸۳/۰۹/۲۶)

مرزشکنی دانش عامل اقتدار علمی خواهد بود و اقتدار درون‌زا برای جامعه ایرانی را به ارمغان خواهد آورد؛ «اگر این ملت باید همین راه استقلال و عزت و عدم وابستگی را که در آن وارد شده ادامه بدهد، این امکان ندارد مگر با عالم شدن این ملت. باید عالم بشوند و علم در این کشور ترقی پیدا کند. علم وارداتی، علم به معنای حقیقی کلمه نیست؛ علم درون‌زا است که اقتدار می‌بخشد.

این که من مسأله‌ی تولید علم و شکستن مرزهای علم را مطرح کردم، به خاطر این است و باید آن را جدی بگیرید.» (بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌های استان خراسان در دانشگاه فردوسی ۲۵/۰۲/۱۳۸۶)

«استغنا‌ی علمی و شکستن مرزهای علم» (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۰۶/۰۶/۱۳۹۲). عامل ابتکار علمی و پیشرفت دانش محور در ایران می‌شود و همین عامل در افزایش ضریب قدرت علمی ایران در تقابل با جنگ علمی دشمنان موثر است؛ «در زمینه‌های علمی، هم در زمینه‌ی پیشرفت علم و عمق علمی و دریدن حجاب علمی‌یی که مانع می‌شود از اینکه کشورهایی از قبیل کشور ما به نقاط اصلی علمی و شکستن مرزهای دانش و پیش رفتن، دسترسی پیدا کنند؛ که خوشبختانه در زمینه‌ی اخیر، کشور ما از جهت خوب بودن، جزو کشورهای استثنایی است. استعدادها، خوب؛ توانایی‌ها، خوب؛ قدرت ابتکار علمی و فنی، خوب؛ ما می‌توانیم در این زمینه‌ها پیشرفت کنیم، که پیشرفت هم کرده‌ایم و یک نمونه‌اش مسأله‌ی انرژی هسته‌یی است.» (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۲۷/۱۲/۱۳۸۳). و در جایی دیگر، اشاره می‌کنند؛ «حرکتان به سمت جلو، سرعت بسیاری داشته؛ چندین برابر سرعت متوسط عالم. اگر همین سرعت را حفظ کنیم، بلکه افزایش بدهیم، مسلماً به خطوط مرزی علم خواهیم رسید و این خطوط مرزی را خواهیم شکست و جلو خواهیم رفت؛ این اتفاق خواهد افتاد. جوان کشور ما باید این را باور کند؛ یکی از راه‌های باورش همین است.» (بیانات در دیدار نخبگان و برگزیدگان کرمانشاه ۲۶/۰۷/۱۳۹۰)

۴-۸. تحکیم هویت مستقل علمی

دانشگاه و مراکز علمی ایران باید هویت حقیقی خویش را حفظ نمایند و در فرایند جنگ نرم علمی، دچار دگردیسی در هویت علمی خویش به عنوان سرباز علمی ایران نشوند. به اعتقاد رهبری، «انقلاب به دانشگاه خدمات بزرگی کرد... احساس هویت مستقل ملی را به دانشگاه داد و دانشگاه را از رو به بیگانگی داشتن و مجذوب و مبهور بیگانه بودن و منفعل در مقابل بیگانه بودن نجات داد.» (بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۰۹/۱۲/۱۳۷۹) ایشان در

جایی دیگر به این موضوع اشاره می‌کنند؛ «وقتی یک کشوری احساس کرد که با علم خود، با دانش خود میتواند زندگی خود را و ملت خود را اداره کند و به دیگر ملتها خدمت برساند، احساس هويت میکند، احساس شخصیت میکند؛ این درست همان چیزی است که ملت‌های مسلمان امروز به آن احتیاج دارند. ملت ما قبل از انقلاب، سال‌های متمادی اسیر تضعیف روحیه‌ی خودباوری در میان خود بوده است. از آن وقتی که اول مسئولان دولتی، بعد بتدریج آحاد مردم چشم باز کردند و در مقابل پیشرفت خیره‌کننده‌ی علمی غرب مبهور شدند، بتدریج احساس کمبود، احساس حقارت، احساس خودکم‌بینی در این کشور و در میان ملت ما ترویج شد. خوشبختانه انقلاب همه چیز را دگرگون کرد؛ از جمله این حالت و این روحیه را دگرگون کرد. بنابراین بنیانگذاری کارهای اقتصادی بر پایه‌ی دانش، هم موجب تقویت روحیه و شخصیت و هويت ملی است، هم قدرت سیاسی. خود استقلال و خوداتکائی در یک کشور، قدرت سیاسی میدهد؛ علاوه بر قدرت اقتصادی که خوب، طبیعی است و وجود دارد.» (بیانات در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان ۱۳۹۱/۰۵/۰۸)

۴-۹. اسلامی شدن دانشگاه

دانشگاه بازوی اجرایی قدرت علمی ایران است و اگر بعد اجرایی و علمی کشور از آموزه‌های اسلامی دور شوند، جامعه دچار بحران خواهد شد و دشمنان در فرایند منازعه علمی، خواستار غربی شدن دانشگاه و تهی شدن این نهاد از ارزش‌های دینی و انسانی هستند. اما برای جلوگیری از اهداف استعماری غرب، باید تلاش نمود روند اسلامی شدن دانشگاه‌ها و تقویت ابعاد ارزشی علم در محیط علمی کشور ارتقاء یابد: «دانشگاه ما اگر اسلامی باشد، خواهد توانست بار علمی و اداری جامعه را در جهت استقلال و آزادی و سربلندی کشور بر دوش بکشد و پایه‌ای برای رشد و تعالی علمی و سیاسی در آینده باشد و اگر اسلامی نباشد، به همان بلیه‌ای دچار خواهد شد که در دهها سال حاکمیت رژیم گذشته، به آن مبتلا شده بود: سقوط علمی و اخلاقی و ناتوانی از برآوردن نیازهای ملتی که اراده کرده است عقب‌ماندگی و ضعفی را که بر او تحمیل شده است،

با عزم و ایمان انقلابی خود جبران کند». (پیام انتصاب آیت‌الله محمد محمدی گیلانی و آیت‌الله جنتی و حجت‌الاسلام والمسلمین محفوظی به نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها ۱۳۶۸/۰۷/۱۵).

نتیجه گیری

این مقاله تلاشی در راستای شناسایی جنگ نرم دشمنان جمهوری اسلامی ایران می باشد و یافته های مقاله نشان می دهند که؛ غرب در یک تقابل علمی با ایران قرار دارد و همواره تلاش بر این داشته است تا در مسیر جلوگیری از قدرت روزافزون منطقه ایی و جهانی ایران، مسیر شتابان علمی ایران را مختل نماید و در این مسیر از انواع شیوه های سخت و نرم بهره گرفته است. دیده بانی و رصد جنگ نرم علمی غرب علیه ایران نشان می دهد که روش های جنگ نرم استکبار علیه ایران به قرار زیر است؛ تاکید بر نهضت ترجمه گرایی، ایجاد رکود علمی در مجامع آکادمیک ایران، ممانعت از واردات محصولات علمی به ایران، وابستگی علمی، انتقال علوم نسخ شده و غیر کاربردی، تزریق روحیه حقارت علمی در سطوح مختلف جامعه، تئوری سازی استعماری، خساست و انحصار گرایی علمی، جلوگیری از تبدیل شدن ایران به قدرت علمی و ترور علمی (حذف فیزیکی دانشمندان و نخبگان ملی). بعد از شناسایی این روش ها در منظومه فکری رهبر انقلاب اسلامی، ظرفیت سازی دفاع علمی و شیوه های کنترل جنگ نرم علمی مورد مذاقه قرار گرفت که برخی از این راهبردها به قرار زیر می باشد؛ تولید علمی، استقلال علمی، توازن صادرات و واردات محصولات علمی، گام نهادن در مسیر نظریه سازی بومی، اجرایی کردن نقشه جامع علمی کشور، جهاد علمی، مرز شکنی دانش، تحکیم هویت مستقل علمی، اسلامی شدن دانشگاه، استحکام ساخت درونی قدرت علمی، گام برداشتن در مسیر علوم راهبردی و برترساز، جهش مستمر علمی، جرأت علمی، ارتقاء جایگاه علمی ایران در سطح منطقه و جهان، الهام بخشی و مرجعیت علمی. توجه به این شیوه های کنترل تهدیدات علمی کشور، می تواند جایگاه علمی اران را ارتقاء بخشد و از دامنه تاثیر جنگ علمی غرب علیه ایران بکاهد و دستاورد آن، رشد شتابان تحولات علمی ایران و رونق کسب و کار دانش بنیان در جامعه ایرانی خواهد بود.

منابع

- (۱) افتخاری، اصغر (۱۳۸۹). «جامعه، دولت و سرمایه اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران». منابع قدرت نرم سرمایه اجتماعی در اسلام، تالیف محسن ردادی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- (۲) افتخاری، اصغر (۱۳۸۹). «دانشگاه و جنگ نرم علمی»، در آموزش عالی، فرهنگ عامه و قدرت نرم: مطالعه موردی ژاپن و ایالات متحده، تالیف دیوید مک کانل و واتانابه یاسوشی، ترجمه سید محسن روحانی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- (۳) ایزدی، حجت الله (۱۳۸۷). «مبانی قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات بسیج، سال یازدهم، ش ۴۱، زمستان.
- (۴) آلتباج، فیلیپ و پتی مک پترسون (۱۳۸۹). «آموزش عالی به مثابه پروژه قدرت نرم آمریکا»، در آموزش عالی، فرهنگ عامه و قدرت نرم: مطالعه موردی ژاپن و ایالات متحده، تالیف دیوید مک کانل و واتانابه یاسوشی، ترجمه سید محسن روحانی، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- (۵) بصیری، محمدعلی (۱۳۹۱). «جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، دوره دوم، بهار، شماره ۵.
- (۶) تحریریه اندیشه و راهبرد (۱۳۹۵). «نفوذ علمی»، ماهنامه اندیشه و راهبرد، مرداد، شماره ۲۳.
- (۷) جزایری، سیدمسعود (۱۳۹۰). «جنگ نرم از دیدگاه مقام معظم رهبری»، فصلنامه راهبرد فرهنگ، زمستان، شماره ۱۶.
- (۸) حاتمی، حمیدرضا و دیگران (۱۳۹۵): «بررسی رابطه بین آگاهی به جنگ نرم، هویت فرهنگی و سبک زندگی مبتنی بر مصرف کالای فرهنگی»، مجله روانشناسی نظامی، تابستان، شماره ۲۶.
- (۹) حسینی، سیدمحمد و حسین علی جاهد (۱۳۹۲). «تبیین رسالت دانشگاه و دانشگاهیان در مقابله با جنگ نرم»، مطالعات قدرت نرم، سال سوم، پائیز و زمستان، شماره ۹.
- (۱۰) رشید پور، علی و دیگران (۱۳۹۴). «تحلیل جنگ نرم اعتقادی، بر مبنای آموزه های قرآن کریم»، مجله دانش سیاسی، پاییز و زمستان، شماره ۲۲.
- (۱۱) رفیع، حسین و سیدمحمدجواد قربی (۱۳۹۳). «مختصات اهداف فرهنگی-اجتماعی ترسیم شده در فرایند جنگ نرم»، فصلنامه مهندسی فرهنگی، بهار، شماره ۷۹.
- (۱۲) سردارنیا، خلیل اله (۱۳۹۵). «تاثیر جنگ نرم بر آسیب پذیری و تهدید امنیت اقتصادی ایران»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، پاییز، شماره ۲۰.

- ۱۳) سیدی، سیدمحمدرضا و سیاوش صلواتیان (۱۳۹۴). «تدوین راهبردهای سازمان صداوسیما ج.ا.ا. در جنگ نرم»، فصلنامه رادیو تلویزیون، تابستان، شماره ۲۷.
- ۱۴) علیانصب، سیدحسین و محمد کاویانی (۱۳۹۵). «بررسی سوء استفاده نظام سلطه از دانش روان شناسی در مدیریت جنگ نرم علیه انقلاب اسلامی»، نشریه پژوهش های انقلاب اسلامی، پاییز، شماره ۱۸.
- ۱۵) فلاح تفتی، محمد (۱۳۹۵). «مقدمه ای بر تاکتیک‌ها و ابزارهای جنگ نرم»، نشریه ره آورد سیاسی، بهار و تابستان، شماره ۴۷.
- ۱۶) قاسمی، علی و حسین بابایی (۱۳۸۹). «تولید علم و جنگ نرم»، روزنامه کیهان، چهاردهم آذر، شماره ۱۹۸۰۷.
- ۱۷) گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۸۷). جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم، تهران، دفتر گسترش تولید علم.
- ۱۸) ماشیکو، آلن و هوری میکی (۱۳۸۹). «پرورش ثدرت نرم: تاثیر مبادلات دانشگاهی میان ایالات متحده-ژاپن»، در آموزش عالی، فرهنگ عامه و قدرت نرم: مطالعه موردی ژاپن و ایالات متحده، تالیف دیوید مک کانل و واتانابه یاسوشی، ترجمه سید محسن روحانی، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- ۱۹) موسوی، سیدرضا و مجتبی دولتی (۱۳۹۵). «شیوه‌های سیاسی - اجتماعی جنگ نرم در رهیافت قرآنی»، فصلنامه مطالعات عملیات روانی، بهار و تابستان، شماره ۴۴.
- ۲۰) نای، جوزف (۱۳۹۳). قدرت نرم و رابطه آن با آموزش عالی، مشرق نیوز، یازدهم تیر.
- ۲۱) نعمتی، لیلیا (۱۳۹۰). «بومی گرایی در ترجمه آثار علمی: ردپای ترجمه در علوم انسانی»، روزنامه رسالت، هفدهم دی ماه، شماره ۷۴۵۲.
- 22) Amirbek, Aidarbek & Kanat Ydyrys (2014). "Education And Soft Power: Analysis As An Instrument Of Foreign Policy", Procedia - Social and Behavioral Sciences, No 143.
- 23) Mingst, Karen (2003). Essentials of International Relations, New York: Norton and company.
- 24) Nye, Joseph (2005). Soft Power and Higher Education, Harvard University.
- 25) Zarghani, Sayyed Hadi (2008). Introduction to national power, Principles, functions, calculating and Assessment, first edition, Tehran, Strategic Studies Institute Publication [in Persian].
- 26) Zarghani, Sayyed Hadi (2010). Analysis of national power measurement models, Tehran, Geopolitics Quarterly, No 1, pp: 149-180[in Persian].